

دختران زودتر از پسران

چرا دختران زودتر از پسران مکلف می‌شوند؟

آیت‌الله جوادی آملی

اشاره

پذیرفته است. زن همین که از نه سالگی گذشت و وارد دهمین سال زندگی شد، خدا او را به حضور می‌پذیرد و با او سخن می‌گوید و روزه را بر او قرار می‌دهد و مناجات‌های او را به‌عنوان دستور مستحب شرعی گوش می‌دهد. آن وقتی که هنوز مرد به‌عنوان نوجوان مشغول بازی است، زن مشغول راز و نیاز و نماز است. شش سال زمینه‌سازی کردن و از دوران نوجوانی او را به حضور پذیرفتن، نماز را که عمود دین است و حج را که وفد الی‌الله است و مهمانان در آن سفر به ضیافتگاه خداوند می‌روند، بر زن واجب کردن، این‌ها همه نشانه آن است که زن برای دریافت فضایل شایسته‌تر از مرد است. و اگر این منطبق درست تبیین و اجرا گردد، نتیجتاً معلوم خواهد شد که زن بالاتر از مرد و لاقلاً همتای مرد است. زن گرچه ممکن است طی دوران خاصی از برخی عبادات محروم باشد،

بلوغ یک شرافت است. آن‌ها که اهل سلوک‌اند می‌گویند ما مشرف شدیم نه مکلف، چون زحمت و مشقتی در کار نیست، بلکه شرف در کار است. لذا در مناجات‌ها ذکرین امام سجاد (صلوات‌الله و سلامه علیه) می‌خوانیم: «یا من ذکره شرف». ای خدایی که ذکر تو مایه شرافت است. اگر کسی به جایی برسد که ذکر خدا گوید و در سایه این ذکر به یاد خدا و خدا هم به یاد او باشد، شرافتی نصیب او گردیده است و زن شش سال قبل از مرد به این شرافت می‌رسد.

توفیق زن بیش از مرد است و اگر انسان تنزل کند، حداقل باید بگوید زن همانند مرد است. زیرا تقریباً شش سال قبل از اینکه مرد مکلف بشود، زن را ذات اقدس‌اله به حضور

**اسلام به اولیای
مدرسه و منزل
دستور می‌دهد
که به دخترها
بیش از پسرها
رسیدگی کنید.
اگر تکلیف بر
دختر شش
سال قبل از
پسر شروع
می‌شود،
بنابراین اولیای
منزل و مدرسه
مسئولیتشان
نسبت به
دخترها بیش از
پسرهاست**



منبع
زن در آیینه جلال و
جمال، آیه‌الله العظمی
جوادی آملی

است. بنابراین، هم آن محرومیت‌هایی که زن در دوران خاص دارد قابل جبران است و هم شش سال قبل از مرد، از همه مزایایی که مرد محروم است، برخوردار می‌شود. در پایان عمر نیز برای زنان غیر سادات پس از سن پنجاه سالگی سخن از ایام محرومیت نیست و در این مدت محرومیت نیز اولا ایام عادت محدود و چند روز بیشتر نیست. ثانیاً، آن‌ها که باردارند و توفیق حمل امانت را دارند نیز محرومیت از عبادت شامل آن‌ها نمی‌شود، چون غالباً عادت با حمل جمع نمی‌شود. ثالثاً، مدت شش سالگی که زن قبل از بلوغ مرد بالغه می‌شود، همه نقص‌ها را ترمیم می‌کند. بنابراین، اگر نقصانی در ایمان باشد و علت آن هم نقص در عبادت باشد، نه تنها قابل جبران است، بلکه اگر زن به این فکر بیفتد که دوران شش ساله را مغتنم بشمارد، عظمتی فزون‌تر نیز خواهد یافت. از آنچه گفته شد روشن می‌شود، سر بیان حضرت امیر (سلام‌الله‌علیه) در نهج‌البلاغه که در وصف زن خطاب به امام حسن مجتبی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «فإن المرأة ریحانة و لیست بقهرمانة» (نامه ۳۱)، یعنی اینکه زن ریحان است، باید او را زودتر از مرد تحت تربیت و تکلیف قرار داد، در غیر این صورت ضایع می‌شود. روایتی دیگر نیز از حضرت صادق (سلام‌الله‌علیه) نقل شده است که می‌فرماید: «من اتخذ امرأة فلیکرمها فانما امرأة أحدکم لعبة فمن اتخذها فما یضعها» (بحارالانوار/ ۲۲۴/۱۰۳). مراد از لعب در روایت، بازیچه و اسباب‌بازی نیست، بلکه یعنی زن ریحانه است. این ریحانه را ضایع نکنید. اسلام به اولیای مدرسه و منزل دستور می‌دهد که به دخترها بیش از پسرها رسیدگی کنید. اگر تکلیف بر دختر شش سال قبل از پسر شروع می‌شود، بنابراین اولیای منزل و مدرسه مسئولیتشان نسبت به دخترها بیش از پسرهاست.

روی این تحلیل معلوم می‌شود زن برای نماز و راز و نیاز زودتر از مرد آمادگی پیدا می‌کند و اگر احیاناً راه‌های عاطفی، زمینه‌های انحراف را پیش روی زن قرار دهد، تکالیف عبادی آن راه‌ها را تعدیل می‌کند تا مبدا به انحراف برود.

اما تمامی آن‌ها جبران‌پذیر است، زیرا قضای روزه‌ها را به جا می‌آورد و برای نماز اگر وضو بگیرد و در مصلائی خود رو به قبله بنشیند و به مقدار نماز ذکر بگوید، ثواب نماز را می‌برد. همان‌گونه که اگر مسافری پس از خواندن دو رکعت واجب، سی یا چهل بار تسبیحات اربعه را تکرار کند، جبران آن دو رکعت ساقط شده را خواهد کرد. پس این‌گونه از فضایل جبران‌پذیر است. عمده آن است که مرد وقتی پانزده سالگی را تمام نمود و وارد شانزدهمین سال زندگی شد، شایستگی خطاب الهی را کسب می‌کند و قبل از آن چنین لیاقتی ندارد، زیرا بلوغ زمینه تشریف به مقام عبودیت است. درباره یکی از علمای بنام شیعه، ابن طاووس، نقل شده است که روز بلوغش را جشن گرفت. او وقتی از پانزده سالگی وارد شانزدهمین سال زندگی شد، دوستان و آشنایان خود را به شکرانه اینکه من نژادم و سن من به حدی رسید که خدای سبحان با من سخن گفت و از من تکلیف طلب کرد، جشن گرفت. چون انسان تا قبل از بلوغ مورد خطاب تکلیفی خدا نیست و به هنگام بلوغ لیاقت می‌یابد که مورد خطاب خدای سبحان واقع شود. اما آیا این جشن در اسلام مشروعیت دارد و جزو سنن هست یا نه موضوعی جداگانه است. این جشن به شکرانه یک نعمت برگزار می‌شود و شاید مرحوم سیدبن طاووس زیر پوشش اطلاقات اولیه که هر نعمتی به شما رسیده است حق شناس و شاکر باشید، چنین عملی را انجام داده باشد. بر این اساس، بلوغ یک شرافت است. آن‌ها که اهل سلوک‌اند، می‌گویند ما مشرف شدیم نه مکلف، چون زحمت و مشقتی در کار نیست، بلکه شرف در کار است. لذا در مناجات‌ذکرین امام سجاد (صلوات‌الله‌و سلامه‌علیه) می‌خوانیم: «یا من ذکره شرف»؛ ای خدایی که ذکر تو مایه شرافت است. اگر کسی به جایی برسد که ذکر خدا گوید و در سایه این ذکر، به یاد خدا و خدا هم به یاد او باشد، شرافتی نصیب او گردیده است و زن شش سال قبل از مرد به این شرافت می‌رسد. اگر چنانچه به این نکته دقت شود، قبل از اینکه مرد به راه بیفتد و در صراط مستقیم گام بردارد، زن بخش زیادی از این راه را طی کرده